بسم الله الرحمن الرحیم

 درس خارج اصول. استاد سید محمدجواد شبیری 12 مهر 1394

متن تایپ شده

ما بحث امارات معتبره را که مطرح می کردیم خب در مورد امارات مختلف صحبت کردیم در مورد شهرت بحث کردیم ؟

خب در مورد امارات مختلف بحث شد و در واقع شهرت را اعتبارش را نپذیرفتیم عملا اجماع منقول را اعتبارش را نپذیرفتیم و خبر واحد را با خصوصیاتی که بحثش گذشت خبر عدل امامی و غیر امامی را هم با آن شرایطی که مرحو شیخ در عده فرمودند پذیرفتیم اینجا بحث عامی پیش می آید که ما آیا می توانیم یک دلیل اقامه کنیم برای حجّیّت مطلق ظن؟ خب یک سری ادله ای برای حجّیّت مطلق ظن ارائه شده است که عمده آن دلیل انسداد است. که این انسداد در واقع انسداد کبیر است با انسداد صغیر که سابق ها در ضمن بعضی بحث ها به آن اشاره کردیم و خصوصیاتش را ذکر کردیم متفاوت است. بحث ما در مورد انسداد صغیر است که تام هست یا نیست. بحث را در محور کفایه دنبال می کنیم بحث های اصلی اش را صحبت می کنیم بعضی بحث های جانبی و ریزه کاری ها و بعیض بحث های شکلی را می گذاریم کنار. بیشتر سعی می کنم نتیجه گیری بحث های سابقی که داشتیم را در انسداد نشان بدهم به خصوص بعضی قسمت های دلیل انسداد فرمایشات مرحوم آخوند روی مبنای معروف اقایان است و روی مبنای اشتهر بین قوم در نحوه تنجیز علم اجمالی در آیه عسر و حرج و امثال اینها را ما چطوری تفسیر کنیم می خواهیم یک مقداری این بحث ها روی مبانی حاج اقا که یک مقداری متفاوت است با مبانی آقایان متأخر بحث را دنبال کنیم و ببینیم چطوری باید روی این مبانی این دلیل انسداد را مطرح کرد. خب دلیل انسداد طبق مبنای مرحوم آخوند 5 مقدمه دارد. مقدمه اول اینکه ما علم اجمالی به سکوت تکالیفی در شریعت داریم. یک. مقدمه دوم این است که باب علم و علمی در کثیری از موارد این تکالیف منسد است. مقدمه سوم انیکه نمی شود این تکالیف را که به آن علم داریم محمل گذاشت و اصلا متعرّض امتثال آن نشد. چهارم اینکه حالا که باید به یک نحوی متعرض آن شد نمی شود احتیاط کامل کرد در کل اطراف علم اجمالی و احتیاط کامل امکان پذیر نیست حالا الآن وجهش را ایشان اینجا ذکر نمی کند بعدا اشاره به وجه آن می کند که حالا یا به جهت اینکه حرجی است یا به جهت اینکه اختلال نظام پیش می آید که اگر حرجی باشد واجب نیست متعرّض شدن و اگر اختلال نظام پیش می آید جایز نیست. اینجا فقط اشاره اجمالی کرده است که احتیاط در جمیع اطراف و اجب نیست بلکه فی الجمله جایز نیست یعنی در جایی که اختلال نظام پیش بیاید جایز نیست در جایی که نه به مرحله اختلال نظام نباشد و صرفا حرجی باشد واجب نیست. خب پس احتیاط کامل امکان پذیر نیست این یک راه و یک راه دیگر اینکه در هر مسئله ببینیم مقتضای اصل در خصوص آن مسئله خاص چیست. استصحاب، تخییر نمی دانم برائت احتیاطی که ناشی از خصوص مسئله است. فرض کنید در خصوص نماز ظهر و جمعه ما احتیاط کنیم هم نماز ظهر بخوانیم هم نماز جمعه. نه به خاطر علم اجمالی ای که در کل احکام وجود دارد علم اجمالی هایی که در خصوص یک مسئله خاصه است را ملاک قرار دهیم و احتیاط کنیم می گوید اینها هم جایز نیست و یک راه حل دیگر هم این است که مراجعه کنیم به فتوای کسی که انسدادی نیست. قائل به انفتاح است و عالم به حکم مسئله است و آن هم جایز نیست مراجعه کردن این مقدمه چهارم. مقدمه پنجم اینکه ترجیح مرجوح بر راجح هم عقلا قبیح است. اینها مقدمات است. بعد ایشان با توجه به این 5 مقدمات از این به بعد می خواهد نتیجه گیری کند. می گوید نتیجه این 5 مقدمه این است که اطاعت ظنیه به حکم عقل لازم است و هم لازم است و هم کافی است. چون اگر نخواهیم اطاعت ظنیه کنیم یا باید محمل بگذاریم آن تکلیف را اصلا به آن متعرض نشود یا مقدمه سوم را نفی کنیم. یا باید در تمام اطراف احتیاط کنیم قسمتی از مقدمه چهارم آن را نفی می کند. یا باید در هر مسئله ببینیم اصل عملی در خصوص آن مسئله چیست. مع قطع نظر از آن علم اجمالی کلی ای که وجود دارد. خب آن هم در مقدمه چهارم نفیش کردیم. یا باید تقلید کنیم که آن هم مقدمه چهارم نفی کردیم یا باید اکتفا کنیم به امتثال احتمالی حالا امتثال شکی یا وهمی این هم طبق مقدمه پنجم که ترجیح مرجوح بر راجح قبیح است آن نفی می شود نتیجه این می شود که اتصال ظنیه لازم هستو کافی. هر دو این جهات را این لزوم دارد ولی مرادشان این است که اطاعت ظنیه نه تنها لازم است بلکه بیشتر از اطاعت ظنیه هم لازم نیست کافی هست.

سؤال:

پاسخ: اطاعت ظنیه تکالیف معلومه. یعنی در هر موردی که ظن داشته باشیم که تکلیفی وجود دارد به آن عمل کنیم

بله خب طبیعتا تکلیفی که ظنی شد وقتی شما بر طبق آن تکلیف عمل کردید طبیعتا می شود با عمل کردن به مواردی که علم به وجود تکلیف داریم این مطلب اطاعت می شود دیگر. خب این مجموع چینش اولیه کلام مرحوم آخوند. مرحوم آقای صدر اینجا یک سری اشکالات شکلی می کنند که به این نحو نباید چید و اینها من وارد بحث شکلی اصلا نمی خواهم بشوم. بحث محتوایی می شوم ان قلت و قلت هایی در فرمایش آقای صدر داریم ولی بگذارید از این بحث های شکلی بگذریم. مرحوم آخوند شروع می کنند یکی یکی مقدمات را بررسی کردن. ما هر مقدمه را جدا جدا بحث می کنیم ابتدا کلام مرحوم آخوند را مطرح می کنیم بعد مبانی دیگری که اینجا هست در موردش صحبت می کنیم بالاجمال. مقدمه اول این بود که ما علم اجمالی به ثبوت تکالیف داریم. در اصل اینکه علم اجمالی داریم بدوا خب بحثی نیست. ولی بحث این است که آیا این علم اجمالی با نظر

سؤال:

پاسخ: نه منجّزیّتش آن مقدمه سوم حالا این توضیح را بدهم که در کلام اقای صدر گاهی توجه نشده است. مقدمه اول اصل علم اجمالی را متعرّضش است. مقدمه سوم تنجیز علم اجمالی. ایشان می گوید مقدمه اول بازگشت به مقدمه سوم می کند. نه مقدمه اول اصل این است که ما علم اجمالی داریم مقدمه سوم این است که این علم اجمالی منجّز است. یا حالا تنجیزش به خاطر اینکه کلا علم اجمالی ز است یا به خاطر اینکه اجماع خاصی داریم علم اجمالی خصوصیت خاصی دارد اگر در جایی دیگر هم علم اجمالی منجّز نباشد این علم اجمالی منجَّز است و امثال اینها. به هم باز نمی گردد. صغری و کبری به هم دیگر هستند. این شکلی. این مقدمه اول که ما علم اجمالی داریم بنابراین بررسی این دو مقدمه که هست مقدمه اول باید ببینیم آیا این علم اجمالی انحلال پیدا می کند یا خیر. مقدمه سوم این است که آیا شرایط تنجیز علم اجمالی در این مقدمه وجود دارد یا خیر. مدل بررسی این دو مقدمه با توجه به خود مقدمه متفاوت خواهد شد. اما مقدمه اول که اصل علم اجمالی آیا اینجا منحل می شود یا خیر. مرحوم آخوند این طور تعبیر می کنند می گویند که این علم اجمالی منحل است به علم اجمالی در

ما یک علم اجمال کبیر داریم یک علم اجمالی صغیر داریم. علم اجمالی صغیر ما این است که علم اجمالی داریم در میان اخبار صادره از ائمه معصومین

التی تکون فیما بایدینا که در دست ما هم هست من الروایات فی الکتب المعتبر. سه تا قید یعنی چهار تا قید تعبیر کنیم دارد. اولا در احادیث نه مطلق امارات این علم اجمالی ما دایره اش مطلق امارات نیست خصوص احادیث است. بنابراین امارات دیگر مثل شهرت مثل اجماع منقول اولویت ظنیه نمی دانم فتوای فقیه از قدما یا چیزهایی که بتواند ظن بیاورد یا امثال اینها یا احتمال بیافریند اینها از این چیز خارج است. علم اجمالی در احادیث یک. دو آن احادیثی که صادره از ائمه طاهرین علیهم السلام هستند. بنابراین اخباری که در کتاب های عامه وارد شده اند با این قید خارج می شود. قید سومی که التی تکون فیما بایدینا. آن که در کتب ما بایدینا است پس بنابراین اینکه ممکن است یک احادیثی باشد که در کتاب های مفقود وجود دارد آن را با این قید خارجش می کنند. من الکتب المعتبره. قید چهارم که از کتب معتبره و امثال اینها چهار تا قید را ایشان مطرح می کند. حالا این کتب معتبره یعنی چه خودش یک ابهاماتی دارد. حالا خصوص کتب اربعه است یا یک مقداری بیشتر از کتب اربعه است یک ابهاماتی در مورد تشخیص صغری کتب معتبره هم در کلام مرحوم آخوند هست. خب مرحوم آخوند مطرح می فرمایند که این علم اجمالی کبیر ما به علم اجمالی در این دایره صغیر با این چهار قیدی که عرض کردم منحل می شود و در این دایره صغیر احتیاط نه تنها موجب اخلال نظام نمی شود اصلا حرجی هم نیست. و بنابراین مشکلی

اگر علم اجمالی هم داشته باشیم چون این علم اجمالی به این علم اجمالی صغیر منجر می شود باید احتیاط کنیم و مشکلی در این احتیاط وجود ندارد و اینجا هم اجماعی بر عدم وجوب احتیاط نیست. اجماعی که هست اجماع بر این است که در کل دایره فقه اعم از این مورد و مواردی که با آن قیود چهارگانه خارج شد بخواهیم احتیاط کنیم این احتیاط اجماع است که واجب نیست. ولی با این قیود چهارانه باز هم بگوییم احتیاط واجب نیست همچین چیزی ما نداریم. برایمان ثابت نیست. یعنی اصلا اجماع ند اریم یعنی ثابت العدم. خب این مقدمه اول. در مقدمه اول یک بحث این است که آیا واقعا این علم اجمالی منحل هست به این علمی که در این دایره صغیر هست یعنی ما علم نداریم که در غیر این موارد هم فی الجمله مواردی هست. در اینکه در احادیث مثلا در غیراحادیث در سیره متشرعه نمی دانم شهرت اجماع منقول اینهایی که روایت وجود ندارد اینها همه شان چیز هست ما یعنی احتمال نمی دهیم که بعضی از اینها یعنی احتمال اطمینانی که فی الجمله بعضی از اینها صادر شده باشند و بعضی از اینها مطابق واقع باشند امثال اینها. من به نظرم خیلی مشکل است انسان همچین ادعا کند که در غیر این چیزها ما علم اجمالی نداریم به سکوت. بله در مورد اینکه این علم اجمالی منجِّز هست یا نیست مقدمه سوم صحبت می کنیم این بحث دیگر است. ولی اینکه اصلا بگوییم علم اجمالی داریم که همه چیزهایی که اهل تسنن نقل کرده اند باطل است. درست است که سنی ها یک سری مبانی شان با هم فرق دارد. ولی بهرحال بنای این نداشتند که همه ش دروغ بگویند و هر چه بگویند جعلی باشد. به خصوص جاهایی که داعی بر کذب نیست. حالا یک سری مواردی که مسائل مذهبی است فتواهای خاص سنی ها هست خب آنجا شما بگویید برای اول فتوا داده است مفتی شان بعد برای تثبیت آن فتوا روایت بر طبقش جعل کرده اند یا دیدگاه های خاصی که آنها دارند که آن هم اول آن دیدگاه را انتخاب کرده اند بعد برای تثبیت آن دیدگاه روایت جعل کرده اند به خصوص دیدگاه هایی که مربوط به حاکمیت و حکومت و زعامت خلافت و این جور چیزها است در این زمینه ها خیلی بحث جعل حدیث جدی هست و جعل می کردند و امثال اینها خب درست ولی بحث ما در این دایره ها نیست. در دایره هایی که انگیزه بر جعل به طور متعارف وجود دارد. از این دایره ها رد شویم بگوییم که همه اینها اشتباه کرده اند یا فی الجمله ولو داعی عقلایی بر کذب نیست ولی تصادفا یک داعی شخصی برای کذب برای روات حاصل شده باشد. خیلی مشکل است به نظرم کسی این ادعا را کند. بله عرض می کنم ممکن است ما بگوییم ادله ای که علم اجمالی را تنجیز می کند این مورد را شامل نمی شود این یک حرفی ولی بخواهیم همه اینها را هم در غیر احادیث ادعا کنیم که هیچ علم اجمالی ند اریم هم احادیث با قید صادره من الائمه المعصومین بگوییم در غیر این احادیث هم هیچی نداریم. خصوصا با این قید ها الذی تکون فیما بایدینا امثال اینها بله عرض می کنم به نظرم این مواردش زیاد نیست. ما ممکن است به خاطر زیاد نبودن آن بحث را بعدا مطرح می کنیم که آیا مقدار اینها زیاد است کم است امثال اینها آن می تواند تأثیر بگذارد در بحث تنجیز علم اجمالی. ولی فی الجمله اینکه در یا مثلا کتب معتبره ایشان می گوید فی الکتب المعتبره. کتب معتبره یعنی کتبی که به طور طبیعی روایت هایش مورد پذیرش است. کتب غیرمعتبره معنای کتب غیرمعتبره این نیست که تمام روایت هایش مورد قبول نیست. کتب غیرمعتبره یعنی کتاب هایی هست که یا به دلیل نداشتن نسخه معتبر از آن کتاب یا به دلیل اینکه مؤلفش خیلی اهل تحقیق نبوده است و اهل مسامحه بوده است و امثال اینها خیلی به آنها اعتبار نمی شود. مثل اطب الائمه. یا حالا کتب غیرمعتبره را تعبیر کنید کتبی که مؤلف آن از جهت وثاقتش ثابت نیست یا ضعفش ثابت است مثل مثلا قرائت سیاری که سیاری تضعیف شده است. آیا تمام روایاتی که در اینها هست بخواهیم مجعول بدانیم خیلی سخت است که بگوییم در دایره غیر روایات معتبره علم اجمالی نداریم ببینید اصل این علم اجمالی ناشی از حساب احتمالات است و این حساب احتمالات هم چنان که در دایره مرحوم آخوند مطرح می کند وجود دارد در دایره های دیگر وجود دارد با این تفاوت که این دایره به دلیل اینکه مفرداتش ذاتا چیزهای قوی ای هستند مثلا در کتاب معتبر بودن از ائمه معصومین نقل شدن و راوی های معتبر مثلا روایت را نقل کردن و امثال اینها راوی های ثقه روایت را نقل کردن و امثال اینها خیلی تأثیر می گذارد بر اینکه چون روایتی که در کتب معتبر هست بسیاری شان راوی هایشان ثقه هستند و عادل هستند و امثال اینها ویژگی های خاصی که این راویان دارند و ویژگی های خاصی که این کتاب ها دارند و اهتمام خاصی که در این احادیث در این مجموعه وجود دارد باعث می شود که خیلی زودتر انسان علم اجمالی برایش ثابت شود. و بیشتر حاصل شود. یعنی فرض کنید اگر این دایره ای که مرحوم آخوند مطرح می کند مثلا این دایره پنج هزار روایت باشد آدم چه بسا ممکن است شخصی مدعی شود دو هزار روایتش آدم علم دارد که حداقل دو هزار روایتش صحیح باشد صادر شده باشد امثال اینها. ولی در دایره های دیگر مثلا آن پنج هزار تای آن ما ببینیم دو هزار تا یقین نداریم ما صد تا یقین داریم مثلا فاصله مقدار حجم معلوم بالاجمال ما متفاوت هست ولی اینکه اصلا بگوییم که هیچ آن متفاوت بودنش هم عرض کردم به خاطر این است که انگیزه های کذبی که در این دایره وجود دارد کمتر است و احتمال به نقل احادیث به این دایره بیشتر است باعث می شود انسان به مقدار بیشتری از صدور و صادر شدن این احادیث علم پیدا کند. ولی اینکه اصلا در غیر این دایره علم وجود نداشته باشد خیلی به نظرم مشکل است.

سؤال:

پاسخ: نه حالا آن بحث هایش را بعد می آییم. فعلا ما بحث این نداریم که انسداد باب علم علمی هست یا نیست. منهای آن بحثی که در باب علم اجمالی.

آن مقدمه دیگر است انسداد باب علم. در مقدمه دوم در مورد آن صحبت می کنم ولی فرض کنید که باب علم و علمی منسد است. ما خبر علمی را دلیل بر اعتبارش نداشته باشیم.

خب می خواهد بگوید در دایره کوچکتر باشد دیگر. مجموع امارات بگوییم همان علم اجمالی است دیگر.

فرض این است که اینها ما می خواهیم بگوییم معتبر نیستند. بحث این است حالا که اینها معتبر نیستند حالا آن که چه چیزی معتبر هست چه چیزی معتبر نیست در مقدمه دوم صحبت می کنیم. منهای بحث هایی که در اینکه ظنون خاصه کدام اند و چه شرایطی برای اعتبار این ظنون خاصه هستند منهای آن الآن بحث می کند. ما هم منهای آن می خواهم بحث کنم.

سؤال:

پاسخ: بحث این است که ببینید فرض کنید که یک شخصی که ما نمی شناسیمش این ده درصد احتمال دارد که این قولش مطابق واقع باشد. وقتی دو نفر باشند علم اینکه فی الجمله یکی از اینها باشد از ده درصد فرض کنید نود درصد احتمال داریم یعنی آن دایره ها را که در نظر بگیرید یک مقداری تعداد امارات زیاد باشد خیلی سریع علم پیدا می کنید که در اینها

سؤال:

پاسخ: نه منهای موارد اختصاصی. آره دیگر مجموع موارد اختصاصی آنها. در مورد حساب احتمالات خیلی راحت آنجا پیاده می شود. نمی خواهم حالا وا رد تفصیل آنها بشوم ولی دایره های اولیه اش خیلی چیزتر است یعنی فرض کنید که در کتب معتبره احتمال نخستینی که مطرح است پنجاه پنجاه است. ولی اینکه می گویید احتمال اینکه به دلیل اینکه سنی هست و چه هست و چه هست احتمال اینکه این در این مورد راست گفته باشد مثلا 5% است. همین 5 درصد ها بیست تا کنار هم قرار بگیرد یقین پیدا می کنیم صادق هستند.

بله دیگر به اتحاد مضامین کار ندارد. بحث سر این است که احتمال

چون بحث حساب احتمالات این است فرض کنید همین پنج درصد را شما در نظر بگیرید حالا ده درصد که راحت تر است. اینکه ده درصد احتمال دارد این صادق باشد ده درصد احتمال دارد این صادق باشد. احتمال اینکه این کاذب باشد نود درصد است. احتمال اینکه دومی کاذب باشد نود درصد است. احتمال اینکه هر دو کاذب باشد هشتاد و یک درصد است. نود درصد ضرب نود درصد می شود هشتاد و یک. یعنی احتمال صدق احدهما 19 درصد می شود. از ده درصد در مرحله دوم تبدیل می شود به 19 درصد. مرحله سوم می شود بیست و هفت درصد. یعنی شما ده تا پانزده اماره را کنار هم بگذارید با احتمال ده درصد ابتدایی پانزده اماره یقین پیدا می کنیم که احتمال اینکه همه اینها کاذب باشند می شود 1 درصد. که نقیض احتمال صدق فی الجمله اینها هست. 99 درصد احتمال صدق می دهیم که همان اطمینان عرفی هست. خیلی سریع یعنی احتمال نخستین شما که ده درصد در نظر گرفتید این ده درصد با بیست تا سی تا اماره نتیجه می دهد. آن احتمال نخستینی که در امارات معتبره بود 50 درصد بود. 50 درصد پنجم ششم یقین حاصل می شود این بیستم سی ام. یعنی این خیلی حساب احتمالاتی که منشأ یقین آوری به نحو علم اجمالی تهاتر اجمالی تعبیر کنید هر چه تعبیر کنید آن تواتر اجمالی در امارات معتبره خیلی زود انسان یقین می کند در نتیجه در مجموعش که در نظر بگیرید تعداد مجموعش بیشتر می شود. ولی در امارات غیرمعتبره یعنی اماراتی که ذاتا شرایطی که مرحوم آخوند ذکر کردند ندارد خیلی دیرتر حاصل می شود ولی بهرحال حاصل میشود. یعنی شما بیست تا اگر در نظر بگیرید علم حاصل می شود نتیجه اش این می شود که اگر ده هزار تا اماره باشد بیست درصدش معتبر است ده هزار تا بیست درصدش می شود یک پنجمش یعنی دویست تا در می آید. یک بیستم. یک بیستمش می شود پنج درصد. پنج درصدش می شود از ده هزار تا پانصد تا. آن هم حجم کمی در نمی آید. ولی خب حالا فرض کنید شما در آن امارات معتبره از ده هزار تا آنجا دو هزار تا بود آنجا پانصد تا. چهار برابر آن بود ولی این جور نبود که حجمی که نتیجه بدهد حجم غیرقابل توجهی باشد و ما بتوانیم به این راحتی از کنار آنها بگذریم. می گویم زمان حصول علم دیرتر هست نتیجه این بحث این است که در مجموع اماراتی که شرایطی که مرحوم آخوند برایش ذکر کرده است دارا نیستند آن مجموع مقدار امارات معتبره ای که حاصل می شود

یعنی مقدار یقین به حصول علم اجمالی که حاصل می شود آن مقدار یقین کمتر هست نسبت به مواردی که دارای شرایط مرحوم آخوند است. بله همین مقدار کمتر بودن ممکن است در تنجیز علم اجمالی اثر داشته باشد. و الا اصل این علم اجمالی را نمی شود انکار کرد. اصل قضیه این است که نحوه حصول علم اجمالی در کلمات مرحوم آخوند و اینها به صورت روشن بیان نشده است بحث های حساب احتمالاتی که در کلمات آقای صدر به آن پرداخته شده است در فرمایشات حاج اقا به آن اشاره شده است اینها مبانی ای است که بعدا مطرح شده است با ریزه کاری ها و نکاتی در آن وجود دارد که این ریزه کاری ها و نکات باعث می شود

حالا این بحث خیلی ریزه کاری دارد من نمی خواهم وارد ریزه کاری های آن بشوم. بحث این است که به نظر می رسد که این طور نیست که این علم اجمالی که مرحوم آخوند مطرح می کند منحصر باشد در خصوص دایره ای که ایشان مطرح می کند. این یک نکته. نکته دوم اینکه حالا در این دایره ایشان می گوید که این علم اجمالی باعث عسر و حرج نمی شود. آیا و اقعا همین جور است؟ ما در اکثر مواردی که روایاتی که در کتب معتبر هم هست روایات متعارض داریم. فرض کنید که بسیاری از موارد آیا در همه این موارد انسان بخواهد احتیاط کند شما الآن بعضی جاهایش که به اصطلاح چیز نقیضین هست شما خودت در مکه شما بین فتوای سه چهار عالم می خواهید احتیاط کنید که این فتواها بر اساس روایات و اینها است می خواهید در همه مضامینی که روایات وارد شده است احتیاط کردن و امثال اینها. من به نظرم خیلی این جور نیست که حالا اختلال نظام را خیلی نمی خواهم مدعی شوم ولی اینکه حرجی نیست و امثال اینها به نظرم مشکل است یعنی عملا کسی یک مقداری بخواهد احتیاط کند علت اصلی اش این است که افراد احتیاط کامل نمی کنند. بین فتوای دو مجتهد سه مجتهد می خواهد احتیاط کند آن خب حالا موارد حرجی اش کم است. تازه همان هم یک بنده خدایی بود بین فتوای حاج اقا و آقای وحید احتیاط می خواست بکند ما را گیر د اده بود فلان مسئله چطوری رفتار کنیم و فلان مسئله را چطوری رفتار کنیم این واقعا گیر افتاده بود در بعضی مسائل می گفت تو نباید احتیاط کنی باید مرجع تقلیدت را معیّن کنی بعد چیز کنی این طوری نمی شود. نمی توانست یک سری مسائل را واقعا مشکلاتش را حل کند عملی نیست باید یک سری مسائل را احتیاط آدم نکند. من به نظرم خلاصه این کلام مرحوم آخوند دو تا خلاصه عرض ما این است دو تا موضوع دارد یکی اینکه علم اجمالی منحل می شود به این دایره صغیر دو مقدمه دارد. یک دوم اینکه در این دایره صغیر احتیاط کردن نه عسر دارد نه اختلال نظام. ما عرض می کنیم اولا علم اجمالی فقط در این دایره صغیر نیست در سایر دوائر هم علم اجمالی صغیر وجود دارد آنها را هم باید بحث کرد آیا مقتضی تنجیز در آن وجود دارد یا خیر. این یک و در این دایره ای هم که مرحوم آخوند خصوصیاتش را مطرح کردند شاید اختلال نظام نباشد ولی مطمئنا حرجی است و اینکه بگوییم حرجی نیست دشوار است. خب این مقدمه اول. اما مقدم دوم. حالا می گویم یک سری بحث های ریزه کاری دارد که من از آن بحث ها می گذرم. بحث های آقای صدر هم به حساب احتمالات خیلی صحبت ها دارد. مقدمه دوم ایشان می گوید که نسبت به علم خب تردیدی نیست که راه علم منسد است. انسداد باب علم و علمی. انسداد باب علم همین جور است. اما ایشان می گوید انسداد باب علمی ما نداریم چون ادله حجیّت خبر موثوق الصدور را برای ما اثبات کرده است بنابراین الحمد لله وافی ... است خبر موثوق الصدور و مشکل ما را حل می کند به خصوص اگر خبرهای موثوق الصدور را ضمیمه کنیم با خبرهای معلوم الصدول تفصیلا این مجموعه اش را مشکل ما را حل می کند. اینجا در مورد مقدمه دوم دو نکته عرض می کنیم. یک نکته اینکه ایشان بحث را اول فقط روی صدور و اینها برده است. کأنّه مشکل ظواهر و دلالت و امثال اینها را اصلا طرح نکرده است در حالی که مشکل اصلی ما در اخبار بحث دلالت است. ما اکثر روایات متعارض هستند و این جمع های عرفی که در روایات وجود دارد خیلی هایشان یقینی نیست. این آن وقت ایشان کأنّه این را حالا این را مسلّم گرفته اند که ظواهر حجّت است و این جمع عرفی ها هم حجّت است این است که بحث را فقط روی صدور پیاده کرده اند. حاج آقا عمده اش نکته اش روی بحث دلالت است روی صدور خیلی بحث نمی کنند و امثال اینها و می گویند مشکلی از جهت صدور در بحث نیست آن را ما فردا در موردش انشاء الله صحبت می کنیم. اما در مورد خبر موثوق الصدور ایشان که می خواهند بفرمایند که ما اخبار موثوق الصدور خیلی داریم و معظم فقه را پاسخگو هست و امثال اینها دیگر یک مقداری شخصی است که ما آیا بعضی افراد هستند خب خیلی زود اطمینان می کنند به صدور و من دیده ام ما مکه با آقای قائینی صحبت می کردیم من کاملا احساس می کردم که ایشان خیلی زود این ها را موثوق الصدور می دانند. خب آن یک مقداری اینکه آیا واقعا مقدار اخبار موثوق الصدور چقدر است وابسته به نگاه

یعنی درجه اطمینان اشخاص نسبت به روایات است. و این خیلی نمی شود برایش برهان اقامه کرد. که آیا واقعا خبرهای موثوق الصدور معظم فقه را ببینید میان اهل تسنن این مطلب خیلی شایع است که بعضی افرادشان حدیث گذا هستند بعضی افرادشان رأی گرا هستند. عمده هم حدیث گراها به رأی عقیده دارند هم رأی گراها به حدیث. ولی بحث عمده شان این است که آن هایی که حدیث گرا هستند ادله حجّیّت روایات را خیلی موسّع می بینند یا اگر اطمینان برایشان می خواهد حاصل شود خیلی زود برایشان اطمینان حاصل می شود ولی آن کسانی که رأی گرا هستند مثل ابو حنیفه و اینها

معروف است ابو حنیفه می گفت من پنجاه روایت صحیح بیشتر برایم ثابت نیست. ولی مثلا کسی که احمد بن حمبل که حدیث گرا هستند خیلی زودتر برایشان این مطلب واقع می شود. واقعش این است که باید یک سری منبهاتی انسان ذکر کند که آیا واقعا چه مقدار افراد جعل می کردند داعی بر جعل چقدر بوده است اشتباهات چقدر بوده است و به خصوص این نکته که ما روایات متعارض خیلی داریم. منشأ ایجاد تعارض روایات آیا دروغ بستن به ام امان بوده است یا مناشی دیگر داشته است؟ یعنی این بحث یک مقدار زیادی به بحث منشأ ایجاد تعارض

اسباب اختلاف احادیث و امثال اینها وابسته است و نگاه ما به این اسباب اختلال احادیث و اینکه کدام سبب سبب ریسی است کدام سبب سبب کمرنگ تری است باعث می شود در این خبر موثوق الصدور بودن و غیر موثوق الصدور بودن ما مختلف بتوانیم اظهار نظر کنیم. یک مقداری ادامه این بحث باشد فردا در موردشان صحبت می کنیم.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد